



بررسی رابطه عاطفی بین معلمان با دانش آموزان در کیفیت آموزشی

مهناز باصداقت

کارشناسی روانشناسی عمومی ، دانشگاه آزاد اسلامی

basedaghat.m@gmail.com

۰۹۱۶۳۰۲۲۴۸۶

چکیده :

نظام آموزش و پرورش از گذشته تا کنون همواره نقش موثر و کلیدی در تغییرات جامعه داشته به گونه ای که اثرات تعلیم و تربیت بر روی افراد، برای همگان آشکار است. در دنیای امروز تاثیر معلم بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان پررنگ تر از همیشه عمل می کند که این پررنگ عمل کردن منوط به بالا بردن افزایش آگاهی و استفاده از روش های کارآمد و تاثیر گذاری چون روش محبت می باشد. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی ، به بررسی رابطه عاطفی بین معلمان با دانش آموزان در کیفیت آموزشی پرداخته است . ایجاد رابطه عاطفی پایدار و موثر در فضای کلاس، یکی از مهمترین نکات در امر تدریس و فرآیند آموزش است. با ایجاد رابطه عاطفی معلم، دانش آموز میتواند با اطمینان خاطر و با انگیزه و علاقه در روند آموزش شرکت فعال داشته و در نتیجه فرآیند یادگیری از درصد بالایی از بازدهی برخوردار شود .

واژگان کلیدی: رابطه عاطفی ، معلم ، یادگیری ، آموزش ، دانش آموزان



مقدمه

در دنیای پیچیده امروز هیچ کس بی نیاز از تعلیم و تربیت نیست، امروز فعالیت در مدرسه و آموختن، خود بخش عظیمی از زندگی انسان هاست، دیگر نمی توان با طرز تلقی گذشته به شاگرد و تربیت او نگرست. تدریس یکی از عناصر اصلی فرآیند، آموزش و پرورش است که در کارایی نظام آموزشی نقش موثری دارد. در سیستم های آموزشی، افراد زیادی فعالند و فعالیت های آن ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم در تربیت دانش آموزان مؤثر است اما در این میان، نقش معلمان از دیگر افراد بسیار برجسته تر می نماید؛ چنان که بیشتر اوقات را دانش آموزان در مدرسه زیر نظر آن ها سپری می کنند و عوامل دیگر هم فراهم آورنده زمینه برای فعالیت معلم ها می باشد از این رو بسیاری از دانش آموختگان نظام آموزشی سنتی و جدید شکل گیری شخصیت خود را مرهون معلمان خود می دانند .

تربیت حرفه ای معلمان از شناخت خود حرفه و مخاطبان آغاز می شود، به شیوه های انتقال مطالب و برقراری ارتباط با دانش آموزان راه می یابد و تا خود آموزی ، خود ناظری ، خود ایزاری ، جستجوگری ، پیش خواهی ، پیش نگری ، جرأت تغییر در خود و ده ها موضوع اساسی دیگر که حرفه ی معلمی را تصویر می کنند، کشانده می شود. (رئوف، ۱۳۷۵) مهارت های ارتباط موثر بر این نکته تاکید می ورزد که معلم بودن پیچیده ترین و دشوارترین فعالیت هاست؛ چرا که معلم با انسانهای مختلف و پیچیده سر و کار دارد در نتیجه فن معلمی هنری است. ظریف و حساس که با کمترین لغزش و خطا خسارت جبران ناپذیری بر شخصیت فراگیر وارد شده و قطعا هرگونه رفتار صحیح و سنجیده موجب آینده ای درخشان برای فرد میشود. با این مقدمه باید دریافت که یک معلم باید به گونه ای رفتار کند که اولاً ارتباط عاطفی و معنوی محبت آمیز وی با دانش آموزان حفظ شود و ثانیاً مدیریت و کنترل کلاس را به نحو شایسته ای انجام دهد و از منظری دیگر معلم باید در مقابل رفتارهای نامطلوب فراگیران از جمله خستگی از درس استقلال طلبی در برابر معلم و احیاناً بی توجهی به مقررات کلاس تصمیم درست و شایسته ای را اتخاذ کند (نقیه ، ۱۳۸۹)

از مهم ترین مهارتها و مسئولیتهای معلم برقراری ارتباط عاطفی با متعلمین می باشد، ارتباط و تعامل بین معلم و دانش آموز در تمام لحظات حضور معلم در کلاس و مدرسه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم دائماً جاری است و نحوه ی برقراری این ارتباط تأثیرات مهم و قابل توجهی بر عملکرد معلم و دانش آموز خواهد داشت. (چارلز ۱۳۸۳) معلم از مهمترین ارکان جامعه و در واقع اولین بزرگسال غیر از پدر و مادر است که امکان این ارتباط حمایتگرانه را به کودک می دهد و از این نظر، کیفیت ارتباط با او از اهمیت زیادی برخوردار است . (Raufelder et al. , 2013) ارتباط با معلم و کیفیت پذیرش از سوی او، انگیزه دانش آموز را در فعالیتهای تحصیلی و عملکرد هیجانی و اجتماعی او را بهبود می بخشد . وجود تعارض در این رابطه، با ایجاد احساس ناامنی و فشار، مانعی برای رشد او به حساب می آید . از سوی دیگر، ارتباط معلم - دانش آموز، به معلم انگیزه می دهد که حتی با تخصیص زمانی بیشتر از حد وظیفه شغلی، پیشرفت دانش آموز را پیگیری کند . (Hamre & Pianta, 2001)

دانش آموزان به دلیل نفوذ روحی و معنوی معلم، تأثیرات شگرفی از او می گیرند. معلم، با نفوذ کلامش می تواند فرزند شقی ترین افراد را نیز به راه راست رهنمود سازد . معلم برای ارتباط برقرار کردن و نفوذ در دانش آموزان و در نتیجه، تأثیرگذاری بر آنها باید به تقویت سه حوزه، در خود بپردازد. این سه حوزه عبارتند از:

- حوزه اخلاقی و تربیتی.
- حوزه علم و دانش.



• حوزه فنون و مهارت‌های تدریس.

هر یک از این سه حوزه، درصدی از موفقیت را در ارتباط برقرار کردن و نفوذ در دانش آموزان در بردارد. اهتمام جدی به رعایت و تقویت این سه حوزه به معلمان در پیشبرد اهدافشان کمک می کند. البته شاید نتوان این سه حوزه را دورنمای همه عوامل نفوذ دانست اما می توان گفت که اکثر این عوامل را شامل می شود. (مهدی مقدم و همکاران ، ۱۴۰۱) معلمان که هر سه ویژگی دانش، تجربه و روش را توأمان دارا باشند، معلم حرفه ای قلمداد می شوند. معلم حرفه ای می داند که چگونه و با چه روش هایی تدریس خود را آغاز کرده، ادامه دهد و آن را به اتمام رساند و مطالب را کی و چگونه عرضه کند تا دانش آموزان را به حداکثر فعالیت وادارد و آن ها را قدم به قدم به اهداف تدریس نزدیک کند. (تقی پور و همکاران ، ۱۳۹۶)

حکیمی و تجربه کار (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین کیفیت ارتباط معلم و دانش آموز و ویژگیهای شخصیت با سازگاری تحصیلی دانش آموزان مدارس راهنمایی پرداختند. در این پژوهش افراد نمونه بر اساس نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند و برای سنجش متغیرهای پژوهش از پرسشنامه های مهارت بارتون، سازگاری تحصیلی سینه و سینک و آزمون شخصیتی نتو استفاده گردید. نتایج حاصله نشان داد که بین سازگاری تحصیلی و صفات شخصیت رابطه معنیدار وجود دارد. بین صفات شخصیت و تعامل معلم و دانش آموز تنها صفت گشودگی به تجربه بر مهارت کلامی مثبت و معنادار بود. همچنین بین سازگاری تحصیلی پسران و دختران تفاوت معنادار بود و دختران ویژگیهای روان رنجورخویی بیشتری نشان دادند.

رضوانی نسب و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیق خود به بررسی پیامد برقراری ارتباط عاطفی معلمان بر یادگیری درس ریاضی دانش آموزان دختر دوره متوسطه اول پرداخته است. در این مقاله کوشش شده است تا با روش تحقیق میدانی و توصیفی و تأسی از پژوهشهای انجام گرفته در حوزه تربیت و آموزش، به تاثیر ایجاد روابط عاطفی پویا و اثربخش بین معلم و دانش آموز در درس ریاضی، با توجه به نوع جهت گیری ذهنی دانش آموزان نسبت به این درس در دوره یاد شده، پرداخته شده و در نهایت ارتباط آن با یادگیری و میزان بازدهی واکاوی گردد. بعلاوه ضمن بهره گیری از متد مشاهده عینی و مقایسه عملی در کلاس ریاضی پایه هفتم دوره متوسطه اول مدرسه آسیه ورامین از بین ۱۲۰ نفر دانش آموز، در دو کلاس هر یک شامل ۳۰ نفر با انتخاب تصادفی در قالب دو گروه الف و ب؛ با الگوی ثابت آموزش درس ریاضی و متغیر نوع برقراری رابطه عاطفی معلم، ارزیابی کمی و کیفی صورت گرفته است. نتایج حاصل حاکی از آن بود که به صرف برقراری ارتباط عاطفی موثر در کلاس درس ریاضی توسط معلم، یادگیری عموم دانش آموزان با ضرایب هوشی متفاوت در این درس به طرز چشمگیری افزایش می یابد.

سدیدی و کریم نژاد (۱۳۹۸) در بررسی نقش تربیتی محبت بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان از دیدگاه هانریش پستالوژی و ملا احمد نراقی به این نتیجه دست یافتند که « پستالوژی تعلیم و تربیت را بصورت یک فرایند هماهنگ می داند که تمام استعداد های کودک را در برمی گیرد. از نظر او محبت با انسان متولد می شود و تحت تاثیر عوامل مختلف اجتماعی شکل می گیرد و اگر این عوامل مثبت باشد محبت ماندگار خواهد ماند. نراقی نیز معتقد است که در وجود انسان برخی ارزش های اخلاقی نهفته است یعنی فرد به ارزش های اخلاقی گرایش دارد، بنابراین اگر معلم در روش های تربیتی خود، از عشق و محبت نسبت به دانش آموزان استفاده کند نه تنها باعث علاقمند شدن آن ها به کلاس درس می شود بلکه در رشد و پیشرفت تحصیلی آن ها نقش بسزایی دارد. »



سالاری و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی ادراک معلمان از عوامل مؤثر بر ارتباط معلم دانش آموز به این نتیجه دست یافتند که « دیدگاه معلم درباره رفتارهای کلاسی و خصوصیات دانش آموز، که در ارتباط با او مؤثر است، مسیرهای کلاسی که برای ارتباط با دانش آموز قابل بهره برداری اند، عوامل بیرون از دایره رابطه معلم و دانش آموز، که بر ارتباط آن ها با یکدیگر اثر می گذارد، و ویژگی های خلقی، باورها و انگیزش معلم که در ارتباط او با دانش آموز مؤثرند، به دست آمد. این مؤلفه ها، دریافت ابعاد جامعی از دیدگاه معلم را پیرامون دغدغه پژوهش ممکن ساخت. نتایج این مطالعه، تبیین کننده بسترهای ممکن برای مداخله مثبت در رابطه معلم-دانش آموز است.

زارع و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی تاثیر روابط عاطفی معلم با دانش آموز بر روند آموزش پرداخته و نشان دادند « در طول تاریخ، نتایج مطالعات آموزش و روابط بین معلم و دانش آموزان به عنوان یک اثرگذار بنیادین در تدریس و یادگیری شناخته شده است. بزرگترین دغدغه نظامهای آموزشی در مورد ارزشیابی در فضای مجازی، موضوع اخلاق در ارزشیابی و در نتیجه قضاوت عادلانه در مورد میزان کسب شایستگی های دانش آموزان خواهد بود. در آزمونها و ارزشیابی های فضای مجازی، برخلاف فضای واقعی، به دلیل ماهیت آن، یعنی کمتر بودن مراقبت ها و کنترل های معلمان و اولیای مدرسه، احتمال بروز رفتارهای غیراخلاقی بسیار بیشتر است. نمونه هایی از این رفتارها در فرایند اجرای آزمونها در فضای مجازی می توانند کمک گرفتن از افراد ثالث، به اشتراک گذاری پاسخ ها بین دانش آموزان یک کلاس به روشهای گوناگون، و استفاده از مواد و منابع آموزشی به هنگام آزمون باشند. »

نتایج پژوهش جلالی (۱۴۰۱) در بررسی تاثیر روابط عاطفی معلمان بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نشان داد « ایجاد ارتباط با اولیای دانش آموزان، تلقی کردن کلاس درس به عنوان یک گروه اجتماعی، ایجاد کلاسی با جو دوستانه و صمیمی، توجه به ساختار رسمی و غیررسمی، رابطه متقابل توأم با احترام معلم و دانش آموزان از کلیدی ترین عوامل اثرگذار روابط عاطفی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بوده است. »

روش شناسی

پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و با اتکا به منابع کتابخانه ای به بررسی رابطه عاطفی بین معلمان با دانش آموزان در کیفیت آموزشی پرداخته و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی از قبیل کتب، مقالات و پایان نامه ها می باشد.

بحث درباره یافته ها

بدیهی است که معلم در فرآیند یاددهی - یادگیری نقش مهم و ارزنده ای را ایفا می کند. معلم چراغ هدایت و موفقیت است که انسان را راهنمایی می کند، تا انسانها به طور منظم به کمال علم و معرفت برسند. با این حال کار معلم هنگامی ثمر بخش است که با دانش آموزان همکاری داشته و در کلاس درس با دانش آموزان مشارکت داشته باشد و گام به گام با آنها پیش برود و آنها را راهنمایی کند. معلمی



که می‌خواهد تسهیل‌کننده امر تربیت و آموزش باشد، باید از شیوه‌های سنتی و طوطی‌وار پرهیز کند و با شیوه‌های جدید یادگیری را تسهیل نماید. یک روش در تسهیل یادگیری ایجاد حسن اعتماد و محبت و علاقه دو جانبه بین دانش آموز و معلم است. (مهدی مقدم، ۱۴۰۱) روابط عاطفی مطلوب معلمان با شاگردان در تمامی مقاطع همیشه از مهم‌ترین سطح روابط به حساب می‌آید و همواره باید مورد تقویت قرار گیرد. تحقیقات نشان می‌دهند که تسلط معلم بر دانش موضوعی، تنها ۵۰ درصد بر روی موفقیت او در تدریس تأثیر می‌گذارد. ۵۰ درصد دیگر این موفقیت، به مهارت‌های ارتباطی او ارتباط معلم با دانش آموزان، ارتباط معلم با والدین و سایر همکاران بستگی دارد. همچنین ثابت شده است که میزان ارتباط و تعامل بین معلم و دانش آموز، تأثیر مستقیمی بر روی موفقیت تحصیلی شاگردان دارد.

اولین نکته حایز اهمیت این است که معلم بتواند محیطی برای کودکان فراهم کند که آن‌ها از لحاظ روانی در آرامش و به دور از استرس باشند تا بتوانند باعث شوند این کودکان به یادگیری دروس علاقه مند شوند، باور اشتباهی که در گذشته نه چندان دور در مدارس اتفاق می‌افتاد که تنبیه و زور، سازو کار اصلی تربیت و فراگیری آموزش بود و نه تنها باعث پیشرفت نمی‌شد بلکه خیلی از کودکان در آن زمان حس انزجار از مدارس را داشته یا افت تحصیلی داشتند و یا ترک تحصیل می‌کردند و این حالت زور باید جای خود را به سیستم نوین آموزشی و حس همدلی بین کودک و معلم بدهد، زیرا کودکان همواره پایه ریزی‌های شخصیتی که در سنین کمتر فرا گرفته اند، در زمان مدرسه می‌شود این پایه ریزی‌ها را تقویت و شکوفا کرد و برعکس کودکانی که با آسیب همراه بودند با گرفتن مشاوره صحیح و تقویت‌های بیرونی باعث شویم در بزرگسالی چالش‌ها را با موفقیت پشت سر بگذارند، همان‌هایی که در کودکی بنای آن‌ها ریخته شده بود.

دومین نکته استفاده از پاداش‌ها و تقویت‌هاست، زمانی می‌تواند شکل مفیدی به خود بگیرد که معلمان ارتباط عاطفی خوبی با کودکان داشته و محیط آرامی برای آن‌ها فراهم کرده باشند و وقتی کودکان در فعالیت‌ها و تکالیف موفق بودند مورد تشویق قرار گیرند؛ نه اینکه از تقویت به عنوان ابزاری برای باج دهی به کودکان استفاده کنیم تا به شرط گرفتن جایزه درس بخوانند. مطمئناً این گونه تقویت‌ها نمی‌تواند مفید و باعث بقای تغییر رفتاری باشند.

سومین نکته این است بدانیم معلمان با داشتن صبر و حوصله در پاسخگویی به کودکان به جای رفتارهای تکانشی باعث مطلوب تر شدن رابطه عاطفی خود با آن‌ها می‌شوند همواره با لبخند پاسخگوی کودکان باشند و اینکه معلمان باید تلاش کنند تا روش‌های نوین آموزشی را فرا گیرند تا فرزندان موفق به اجتماع تحویل بدهند. معلمان می‌توانند باعث شوند اعتماد به نفس شاگردان‌شان به طور مطلوبی بالا رود و برای این کار از جملات مثبت مانند آفرین، احسنت، تو می‌توانی استفاده کنند و از جملات منفی که عزت نفس و اعتماد به نفس کودکان را پایین می‌آورد استفاده نکنیم. می‌توانیم با دقت به نظرات و پیشنهادات آن‌ها گوش کنیم، وقتی به شاگردان اهمیت بدهیم آن‌ها بیشتر تلاش می‌کنند که موفق باشند یا وقتی به آن‌ها مسئولیتی بدهیم باعث افزایش اعتماد به نفس آن‌ها می‌شویم و عکس همین موضوع زمانی است که معلمان اشتباهات شاگردان را بزرگ‌تر از حد معمول نشان می‌دهند و تکرار آن باعث می‌شود که دانش آموز احساس کند که هر کاری انجام می‌دهد اشتباه است و با پایین آمدن اعتماد به نفسش به فردی منزوی و تنها تبدیل می‌شود.

چهارمین نکته این است که باید همیشه بین معلم و شاگرد برقرار باشد، احترام متقابل است درست همانگونه که معلم دوست دارد کودکان به آن‌ها احترام بگذارند معلمان نیز باید به شاگردان‌شان احترام و در نحوه برخورد با آن‌ها اصولی را رعایت کنند که خود این اصول باعث بهتر شدن رابطه عاطفی معلم و شاگرد می‌شود. وقتی معلم به دانش آموزان لبخند بزند و از آن‌ها به خاطر سکوت و یا انجام کارهای مربوطه تشکر کند باعث می‌شود که آن‌ها نیز این طرز برخورد را از معلم فرا گیرند و در اجتماع در روابط خود استفاده کنند. (بهاولی، ۱۳۹۷)



روابط معلم و دانش آموزان باید طوری باشد که نیازهای تعلق و وابستگی، دوست داشتن و دوست داشته شدن، به رسمیت شناخته شدن، ارزش داشتن، احترام و شکوفا شدن استعدادها تأمین شود. این امر باعث رضایت و خشنودی دانش آموزان می شود و بر سعی و تلاش آنان می افزاید

شیوه های رهبری معلمان در کلاس درس را می توان به سه دسته تقسیم کرد: (انصاری ، ۱۴۰۰)

۱- روش مبتنی بر دموکراسی، که بهترین روش اداره کلاس است و در آن دانش آموزان دارای پیشرفت تحصیلی بالایی هستند. در این روش، ضمن حفظ استقلال دانش آموزان، احترام متقابل و صمیمیت، آنان تحت راهنمایی معلم به آموزش و یادگیری می پردازند و اعمال مثبت و مورد قبول برایشان روشن و واضح است.

۲- روش بی بند و باری (بدون رهبری)، که به علت مشخص نبودن هدف و تحت رهبری قرار نداشتن، به کمترین یادگیری می انجامد و بنابراین، بدترین روش اداره کردن کلاس است.

۳- روش استبدادی، که در این روش نسبت به روش بی بند و باری، دانش آموزان دارای یادگیری بیشتری هستند، ولی به علت داشتن هیجان و اضطراب، عدم احساس و مسؤولیت و هدف، دارای یادگیری کمتری نسبت به روش دموکراسی می باشند.

به نظر پیاز (۱۹۷۲)، جو عاطفی مطلوب کلاس، جوی است که در آن دانش آموزان فعال باشند، نه منفعل. روش فعال باعث شکفته شدن شخصیت عقلی، اخلاقی و سازمان یافتن مبادلات فکری کودکان می شود، فرد را به ابداع و نوآوری و انگیزه و رغبت او را افزایش می دهد و به یادگیری واقعی می انجامد. ولی در روش منفعل، یادگیری واقعی صورت نمی گیرد، گرچه ممکن است دانش آموزان با مطالب بیشتری آشنا شوند و مطالب زیادتری را به حافظه خود بسپارند، که این امر فقط به لفاظی منجر می شود و فرد مطالب را درون سازی نخواهد کرد. روتر، هاینش، استوفن و بارژل یازده ویژگی را در مورد مدارس با جو عاطفی مطلوب نام می برند که عبارت است از:

۱- در این مدارس شاگرد فعال است، نه منفعل.

۲- استاندارد روشن و واضحی برای عملکرد شاگردان وجود دارد.

۳- بین معلم و دانش آموزان حسنه وجود دارد.

۴- آموزش بر حسب نیاز دانش آموزان صورت می گیرد.

۵- در ضمن برقراری نظم و انضباط، اعتماد و رفاه هم وجود دارد.

۶- بین معلمان رابطه حسنه وجود دارد و آنان در مورد مسائل آموزشی، ارزشها، و نظم و انضباط با هم مشورت می کنند.



۷- مدیران یاد دهنده خوبی هستند و ارتباط گسترده با معلمان و والدین دانش آموزان دارند.

۸- ارزشیابی مشخص و مثبتی وجود دارد.

۹- رابطه گسترده ای بین والدین و معلمان وجود دارد.

۱۰- عملکردهای مثبت شاگردان مدنظر است.

۱۱- در کلاس روش مبتنی بر دموکراسی برقرار است.

راهکارهایی برای اثربخش کردن ارتباط معلم با دانش آموزان

فرایند انتقال دانش به دانش آموزان، چه به صورت کلامی و چه به صورت غیر کلامی، نیازمند مهارت‌های ارتباطی معلم است. معلم باید مفاهیم درس را با سبک‌های مختلف یادگیری دانش آموزان هماهنگ کند، انگیزه یادگیری را در آن‌ها ایجاد کند، با دانش آموزان روابط حمایتی بسازد، کلاس را مدیریت کند، به دانش آموز بازخورد بدهد و محیط یادگیری امن و اثربخش را در کلاس ایجاد کند. هر چه معلم مهارت‌های ارتباطی بهتری داشته باشد، این وظایف را به شیوه مؤثرتری انجام می‌دهد و به نوبه خود، دانش آموزان نیز پیشرفت تحصیلی بیشتری خواهند داشت.

۱. ایجاد یک محیط یادگیری امن و حمایتی

وجود روابط حمایتی و عاطفی بین معلم و دانش آموز، تأثیر مثبتی روی افزایش مشارکت دانش آموزان و پیشرفت تحصیلی آن‌ها دارد. حتی ادعا می‌شود که روابط حمایتی می‌توانند این فرضیه را که "دانش آموزان کم بضاعت، موفقیت تحصیلی کمتری دارند" نفی کنند. اگر دانش آموزان در کلاس احساس امنیت کنند، می‌توانند در بحث‌های کلاسی شرکت کنند، افکار و عقاید خود را مطرح کرده، درخواست کمک کنند و سؤالات خود را آزادانه بیان کنند. در نتیجه سطوح بالاتری از مشارکت در کلاس اتفاق می‌افتد. همین موضوع باعث یادگیری بهتر و موفقیت بیشتر دانش آموزان می‌شود.

ایجاد چنین محیط حمایتی، با استفاده از بهبود ارتباط معلم با دانش آموزان و ایجاد رابطه عاطفی بین معلم و دانش آموزان امکان‌پذیر است. معلم به عنوان فردی که در مسیر تبدیل شدن به بهترین معلم گام برمی‌دارد، باید نسبت به دانش آموزان خود شناخت کافی به دست آورد و به آن‌ها این اطمینان را بدهد که از قضاوت و تحقیر در کلاس، در امان هستند. نگرش مثبت، احترام به دانش آموزان، دلسوزی و همدلی با آن‌ها در ایجاد محیط امن و قابل اعتماد بسیار کمک کننده هستند.

برای ایجاد محیط یادگیری امن و مثبت معلمان می‌توانند: (بی نا، ۱۴۰۱)



♦ در روزهای اول تدریس، نام همه دانش‌آموزان را یاد بگیرند. برای آن‌ها این فرصت را فراهم کنند تا با اطمینان خاطر در مورد مشکلات و مسائلشان با وی صحبت کنند. در گفتگوهای خود با دانش‌آموزان، حس همدلی و حمایت را به آن‌ها منتقل کنند. هرگز عقاید و افکارشان را قضاوت نکنند یا مورد تمسخر قرار ندهند.

♦ ممکن است برخی دانش‌آموزان از اینکه در مقابل سایر همکلاسی‌های خود صحبت کنند احساس خوبی نداشته باشند. در چنین شرایطی باید با استفاده از برخی روش‌ها، احساس امنیت بیشتری را در دانش‌آموز ایجاد کرد.

♦ در تعامل با دانش‌آموزان، مشارکت در کلاس نباید به صورت اجباری اتفاق بیفتد. چرا که ممکن است برخی از دانش‌آموزان که به نظر بسیار ساکت هستند، مهارت‌های شنیداری فوق‌العاده‌ای داشته باشند و علی‌رغم عدم مشارکت، به اندازه سایر دانش‌آموزان، در یادگیری موفق باشند. در دانش‌آموزان این حس را ایجاد کنند که از قضاوت و تحقیر در امان هستند و تحت هر شرایطی با احترام کامل با آن‌ها رفتار خواهد شد.

۲. استفاده هر چه بیشتر از کارهای گروهی

استفاده از روش تدریس فعال، از جمله بحث‌ها و کارهای گروهی در کلاس، به ایجاد محیط یادگیری بهتر کمک می‌کنند. دانش‌آموزان با شرکت در گروه‌های کوچک می‌توانند نظرات خود را با دیگران به اشتراک بگذارند و مهارت‌های ارتباطی خود را بهبود دهند. این نوع فعالیت‌ها فرصت خوبی را برای شاگردان فراهم می‌کنند تا سؤالات خود را از معلم بپرسند و بازخوردهای لازم را دریافت کنند. این امر باعث بهبود ارتباط معلم با دانش‌آموزان و همچنین درک بهتر درس می‌شود.

از سوی دیگر می‌توان از طریق کار تیمی با سایر همکاران نیز، مهارت‌های ارتباطی خود را ارتقا داد. برنامه‌ریزی‌های گروهی، به اشتراک گذاشتن ایده‌ها، حل مسائل مختلف با همکاری یکدیگر، باعث بهبود مهارت‌های ارتباطی و شیوه تعامل معلم با دیگران می‌شود.

۳. استفاده مناسب از زبان بدن

ارتباطات، علاوه بر بخش کلامی، شامل بخش غیرکلامی نیز می‌شود. به عنوان معلم مدرسه یا معلم خصوصی باید اطمینان حاصل کنید که سیگنال‌هایی که از طریق زبان بدن خود می‌دهد، مثبت، مطمئن و گیرا باشند.

♦ برای مثال، برقراری ارتباط چشمی با دانش‌آموزان در حین صحبت کردن و به خصوص هنگام تدریس، نشان دهنده حمایت و توجه معلم نسبت به آن‌ها است. این موضوع باعث می‌شود که دانش‌آموزان توجه بیشتری به درس داشته باشند که در یادگیری و افزایش تعامل معلم و دانش‌آموزان تاثیر مستقیمی دارد.



♦ برای این که بتوان تماس چشمی خود را در حین تدریس حفظ کرد، لازم است معلمان روی مطالب درسی تسلط کامل داشته باشند و نیازی به استفاده از کتاب و یادداشت نداشته باشند.

♦ در حین تدریس، برای تأکید روی برخی موضوعات، باید از زبان بدن استفاده کرد. این موضوع باعث افزایش ارتباط معلم با دانش‌آموزان می‌شود و به لحاظ بصری برای شاگردان بسیار جذاب و به یاد ماندنی‌تر خواهد بود. معلمان برای تشویق دانش‌آموزان به مشارکت در کلاس، از لیخنه، تکان دادن سر یا سایر حرکات دست استفاده کنند. همچنین حرکت کردن معلم در کلاس به ایجاد ارتباط بهتر با دانش‌آموزان، جلوگیری از تبعیض بین شاگردان و کمتر شدن حواس‌پرتی آن‌ها کمک می‌کند. زبان بدن در برخورد با رفتارهای منفی دانش‌آموزان نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

معلمان برای جلوگیری از ایجاد تنش و درگیری، هیچ‌گاه از رفتارها و حرکات تهاجمی استفاده نکنند. بالای سر او دست به سینه و با صدای بلند او را مؤاخذه نکنند. بلکه بهتر است کنار گوش او و با صدای آهسته به او تذکر دهند و یا بیرون از کلاس در مورد رفتارهای منفی با او صحبت کنند. این روش علاوه بر حفظ شخصیت دانش‌آموز، اثربخشی بیشتری نیز دارد.

۴. گوش دادن فعال و مؤثر

در مورد ارتباط معلم با دانش‌آموزان، نباید از “گوش دادن فعالانه” غافل شد. بر اساس تحقیقات انجام شده، بیش از ۶۰ درصد از سوء تفاهم‌ها در ارتباط با دیگران، ناشی از ضعف در مهارت گوش دادن است. تمرین خوب گوش دادن در کلاس، به دو دلیل می‌تواند برای معلم مفید باشد. در وهله اول معلم الگویی برای دانش‌آموزانش خواهد شد که مهارت‌های شنیداری خود را بهبود دهند و در نتیجه درس‌ها را بهتر به خاطر بسپارند. در وهله دوم نیز با استفاده از گوش دادن فعال می‌توان از بروز بسیاری از سوء تفاهم‌ها در تعامل با شاگردان جلوگیری کرد. شنیدن دقیق صحبت‌های دانش‌آموز، قطع نکردن حرف‌های او، سؤال پرسیدن و بررسی اینکه منظور آن‌ها را به درستی متوجه شده‌اید بخشی از فرایند گوش دادن فعالانه است. همچنین می‌توان برخی از حرف‌های دانش‌آموز را تکرار کرد یا خلاصه‌ای از صحبت‌هایش را با جمله‌بندی متفاوت بیان کرد. گوش دادن فعال و مؤثر، بهترین روش برای پرورش درک متقابل در کلاس درس و روشی عالی برای برقراری ارتباط اثربخش و نزدیک با دانش‌آموزان است.

۵. بازخورد دادن

یکی دیگر از مؤلفه‌های اصلی در بحث ارتباط معلم با دانش‌آموزان، بازخورد دادن است. در سال‌های اخیر، در رابطه با این موضوع، مطالعات زیادی انجام شده است. بازخوردهای مثبت (مانند تشویق)، باعث افزایش اعتماد به نفس در شاگردان، ایجاد یک محیط یادگیری حمایتی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود.

از بازخوردهای مثبت برای اصلاح رفتارهای اشتباه دانش‌آموزان نیز می‌توان استفاده کرد. برای مثال، وقتی معلم سؤالی را مطرح می‌کند ممکن است برخی دانش‌آموزان برای پاسخ به آن سؤال، همه‌همه و هیاهو ایجاد کنند. در چنین شرایطی می‌توان دانش‌آموزی را که به جای سر و صدا، دست خود را بالا برده است، تشویق کرد. به این ترتیب سایر دانش‌آموزان نیز احتمالاً فریادهای خود را متوقف کرده و از



دانش آموزی که مورد تشویق قرار گرفته است، الگوبرداری می کند. بازخوردهای مثبت باید واضح، شفاف و در قبال یک شایستگی واقعی صورت بگیرند. در حین ارائه بازخورد مثبت، نام دانش آموز را به زبان آورد و مشخص کرد که دقیقاً برای چه کاری مورد تشویق قرار گرفته است.

بر اساس تحقیقات انجام شده، متأسفانه معلمان در تعامل خود با دانش آموزان در کلاس های درس، از بازخوردهای منفی بیشتر از بازخوردهای مثبت استفاده می کنند. اگر چه که در مواردی، بازخوردهای منفی باعث تغییر رفتار اشتباه دانش آموز یا افزایش تلاش او می شود، اما از سوی دیگر این نوع رفتار، منجر به ایجاد تنش در روابط دانش آموز و معلم و پایین آمدن احتمال موفقیت های تحصیلی او در طولانی مدت خواهد شد. در شرایطی که ناچار معلم به ارائه بازخوردهای منفی است، باید به صورت صریح و شفاف به رفتاری که قصد متوقف کردن آن را دارد، اشاره کند. دلیل آن را به دانش آموز توضیح دهد. به او فرصت فکر کردن بدهد. استفاده از این روش ها، اثربخشی بازخوردهای منفی را افزایش می دهد و از مضرات آن می کاهد. معلم نیز باید به دانش آموزان خود اجازه بدهد تا درباره درس ها یا سبک تدریس او بازخوردها و نظرات خود را بیان کنند. به این ترتیب به آن ها نشان می دهد که برای نظرشان ارزش قائل است. این موضوع باعث بهبود ارتباط معلم با دانش آموزان می شود و در نتیجه به تدریس معلم و یادگیری هر چه بیشتر آن ها کمک می کند.

۶. به کار گرفتن حس شوخ طبعی

بر اساس مطالعات انجام شده، استفاده از حس شوخ طبعی در کلاس، باعث افزایش یادگیری، ایجاد انگیزه در دانش آموزان و ایجاد رابطه مثبت بین معلم و دانش آموزان می شود. با استفاده از این روش می توان با دانش آموزان خود ارتباط صمیمانه تری برقرار کرده و آن ها را به درس علاقمند کرد. در این مورد هرگز برای شوخی کردن و خنداندن شاگردان، نباید دانش آموزی را تحقیر و شرمند کرد. فقط شوخی هایی را باید ادامه داد که از طرف همه دانش آموزان، عکس العمل مثبت دریافت کرده باشد.

۷. استفاده از مهارت های تکنولوژیک

استفاده از تکنولوژی های آموزشی و ابزارهای فناورانه در تدریس نظیر کامپیوتر، ویدیوهای آموزشی و منابع آنلاین، روش دیگری برای ارتباط با دانش آموزان در سبک های یادگیری مختلف و افزایش مشارکت آن ها در کلاس است.

۸. شفافیت و وضوح در کلام

خوب ارتباط برقرار کردن و خوب درس دادن، هر دو با "درک کردن" و "درک شدن" در ارتباط هستند. به همین دلیل، یک معلم باید همیشه صریح، شفاف و واضح صحبت کند و کلمات را متناسب با درک دانش آموزان انتخاب کند. این موضوع به خصوص در مورد ارتباط معلم با دانش آموزان ابتدایی از اهمیت بالاتری برخوردار است.



♦ در هنگام نوشتن طرح درس اطمینان حاصل کند که موضوعات پیچیده را به بخش‌های ساده و منطقی تقسیم‌بندی کرده است به گونه‌ای که برای شاگردان به طور کامل قابل درک باشند. سعی کند با پرسیدن چند سؤال و درخواست خلاصه‌نویسی از دانش‌آموزان، اطمینان حاصل کند که تدریس وی کاملاً شفاف و واضح بوده است.

♦ در مورد دانش‌آموزان ابتدایی، استفاده از سؤالات بسته با پاسخ بله یا خیر، سؤالات چند گزینه‌ای یا جملات شروع کننده برای ارتباط بسیار مؤثر است. در مورد دانش‌آموزان مقاطع بالاتر سؤالات باز (مانند نظرت در این مورد چیه؟ و...) به توسعه مهارت‌های حل مسأله و تفکر خلاق در آن‌ها کمک می‌کند.

نتیجه گیری

فن معلمی هنری است ظریف و حساس که با کمترین لغزش و خطا خسارت جبران ناپذیری بر شخصیت فراگیر وارد شده و قطعاً هرگونه رفتار صحیح و سنجیده موجب آینده ای درخشان برای فرد می شود . یک معلم باید به گونه ای رفتار کند که اولاً ارتباط عاطفی و معنوی محبت آمیزش با دانش آموزان حفظ شود و ثانیاً مدیریت و کنترل کلاس را به نحو شایسته ای انجام دهد و از منظری دیگر معلم باید در مقابل رفتارهای نامطلوب فراگیران از جمله خستگی از درس و استقلال طلبی در برابر معلم و احیاناً بی توجهی به مقررات کلاس تصمیم درست و شایسته ای را اتخاذ کند. معلم به عنوان یکی از تاثیرگذارترین مدل های رفتاری برای رشد دانش اموزان، مسئولیتی فراتر از آموزش های درسی تنها دارد. معلم با ایجاد روابطی قوی و محبت گونه، می تواند تاثیری قابل مشاهده روی تمامی جنبه های زندگی دانش اموز خود داشته باشد، درس های مهم زندگی را به او یاد دهد که به دانش آموز کمک می کند در چیزهایی فراتر از امتحانات مدرسه و حتی تست های استاندارد کلی موفق باشد.

منابع

- انصاری ، مهرزاد ؛ ۱۴۰۰ ، رابطه جو عاطفی کلاس با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ،
<http://ravanshenasimm.blogfa.com/post/23>
بهاولی ، حسین ؛ ۱۳۹۷ ، ارتباط عاطفی مطلوب بین معلم و دانش آموز ،
<http://shafaonline.ir/fa/news/214644> ،
(بی نا) ، ۱۴۰۱ ، هر آنچه که باید در مورد ارتباط معلم با دانش آموزان، والدین و همکاران بدانید ،
<https://academy.ostadbank.com/teacher-communication-skills>



تقی پور، حسینعلی، کشاورز لشکناری، روح اله، و یوسف رشیدی، علی اصغر؛ (۱۳۹۶)، دانش محتوایی روش های معلمی و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، کنفرانس پژوهش های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی جلالی، صغری، ۱۴۰۱، تاثیر روابط عاطفی معلمان بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، دومین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت، بندرعباس

چارلز، سی. ام.؛ ۱۳۸۳، مدیریت و کلاس داری جذاب، ترجمه شاپور امین شایان چهرمی، مرضیه امینی، شیراز: نشر کوشامهر
 حکیمی دارسینوئیه، حسن و تجربه کار، مهشید، ۱۳۹۳، بررسی رابطه بین کیفیت ارتباط معلم و دانش آموز و ویژگیهای شخصیت با سازگاری تحصیلی دانش آموزان مدارس راهنمایی، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران
 رضوانی نسب، سوده و بهادری، علی و گنجه، سید علیرضا، ۱۳۹۴، بررسی پیامد برقراری ارتباط عاطفی معلمان بر یادگیری درس ریاضی دانش آموزان دختر دوره متوسطه اول، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی، تهران
 رئوف، علی؛ ۱۳۷۵، تربیت معلم و کارورزی، تهران: انتشارات فاطمی

زارع، یگانه و رنجبر کوچکسرائی، شیوا و حسینی اشلقی، میناسادات، ۱۴۰۱، بررسی تاثیر روابط عاطفی معلم با دانش آموز بر روند آموزش، سیزدهمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران
 سالاری، نرجس، حجازی، الهه، اژه ای، جواد، و جوکار، بهرام. (۱۳۹۸). ادراک معلمان از عوامل مؤثر بر ارتباط معلم دانش آموز: تحلیل پدیدارشناسی. نوآوری های آموزشی، ۱۸ (۷۰)، ۵۳-۸۰.

سدیدی، سیده محدثه و کریم نژاد، زهرا، ۱۳۹۸، بررسی نقش تربیتی محبت بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان از دیدگاه هانریش پستالوژی و ملا احمد نراقی، چهارمین همایش ملی روان شناسی تربیتی شناختی، تهران

مهدی مقدم، امیرحسین؛ غلامی، زهرا؛ غفوری، امید؛ حسینی ریزی، سید محمد؛ (۱۴۰۱)، بررسی نقش معلم در پیشرفت تحصیلی و یادگیری دانش آموزان، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال ۵، شماره ۵۳، ۲۳-۹
 نقیه، مجید؛ ۱۳۸۹، ظرافت های معلمی (۶۷۸ نکته کاربردی برای معلمان)، تهران: انتشارات بین المللی گاج

Hamre, B. K., & Pianta, R. C. (2001). Early teacherchild relationships and the trajectory of children's school outcomes through eighth grade. *Child Development*, 72, 625-638

Raufelder, D., Bukowski, W., & Mohr, S. (2013). Thick Description of the Teacher-student Relationship in the Educational Context of School: Results of an Ethnographic Field Study. *Education and Training Studies*, 1(2), 1-18.